

که عمده استناد دادگاه در تبرئه متهم باین است که عمل او قبل از تاریخ تفسیر ماده ۲۳۸ قانون کیفر عمومی واقع شده و قانون مزبور عطف بمسابق نمینماید مخدوش بنظر میرسد چه آنکه منظور قانون گذار از تفسیر قانون این نبوده که برای عملی که قبلاً جرم نبوده و کیفر نداشته آنرا جرم قرار داده و کیفری برای آن معین نماید بلکه مقصود این بوده و صریح در این است که اجمال قانون سابق را بر طرف نموده و جلوگیری از تفسیر برخلاف مقصود قانون گذار و رفع شبهه بعضی از قضات گردد بنابراین تفسیر قانون قانون جدیدی نخواهد بود و همچنین استدلال دادگاه که چون متهم در نظیر این عمل بر حسب حکم قطعی دادگاه تبرئه شده بوده عمل خود را جرم نمیدانسته صحیح بنظر نمیرسد چه آنکه بر فرض اینکه متهم بواسطه اشتباه قضات در تفسیر قانون در عملی تبرئه شود موجب آن نخواهد بود که در اعمال نظیر آن تبرئه گردد بنابراین مزبور حکم فرجامخواسته قانونی نبوده و شکسته میشود و رسیدگی مجدد بشعبه دیگر دادگاه استان ارجاع میگردد و نسبت بتقاضای رسیدگی فرجامی آقای دادستان در مورد تبرئه متهم در دعوی استفاده از ضعف نفس بزه دیده اشکالی بحکم فرجامخواسته وارد نبوده و باتفاق آراء استوار میشود.

رویه دیوان کشور بر شایستگی باز پرس دیوان کیفر

راجع باختلاف در شایستگی دادگاه اداری و باز پرس دیوان کیفر

در مورد رشوه زائد بر دویت ریال

جزء ۴ قانون متمم قانون دیوان کیفر

یکی از کارمندان گمرک بانها م گرفتن ۴۴۰ ریال بعنوان رشوه از کسی که اشیاء قاچاقی از خارجه وارد کرده بود تحت تعقیب دادگاه اداری در آمده و آن دادگاه بعنوان اینکه مبلغ مورد ادعاه بیش از دویت ریال است قرار ناشایستگی

بازپرس آنجا (بعنوان اینکه طبق اظهار متهم ۹۰ ریال بکنفر امنیه و ۶۰ ریال امنیه دیگر و ۱۱۰ ریال فراش و ۱۰۰ ریال خود متهم گرفته اند و بر فرض صحت هر يك از آنها موظف بجلوگیری از قاچاقچی بوده اند و با گرفتن رشوه از انجام وظیفه خودداری کرده اند و مبلغ مأخوذی هر يك کمتر از دوپست ریال اظهار شده و دیوان کیفر شایستگی ندارد) قرار ناشایستگی خود را صادر کرده است و دادستان آنجا باموافقت باقرار مزبور پرونده کار را برای حل اختلاف بدیوان شورفرستاده است. شعبه (۲) دیوان کشور پس از رسیدگی در حکم شماره ۹۶ مورخ ۱۱/۷/۲۲ چنین رأی داده است :

(نظر باینکه بر حسب حکایت اوراق مربوطه پیرونده کار بزه موضوع اتهام این است که بدو مبلغی که زائد بر چهارصد ریال بوده بعنوان رشوه بمتهم (کارمند گمرک) داده شده و سپس مشارالیه آن وجه را بین خود و دیگران تقسیم نموده و هر يك سهمی از آن وجه را دریافت کرده اند و با این کیفیت بر فرض که وجه مأخوذی طبق اظهار متهم به - دأ تقسیم شده باشد قضیه مشمول جزء ۴ از متمم قانون دیوان کیفر مصوب آبان ۳۰۸ نخواهد بود و اصولاً بازپرس دیوان کیفر مرجع شایسته تشخیص میشود)

رویه دیوان کشور بر استواری

راجع باینکه در مورد اشتراك انبار کالا بین متهم و شاکی در صورت بودن کلید در دست متهم مشارالیه امین محسوب است

ماده ۲۴۱ قانون کیفر عمومی

کسی بانهام تصرف و فروش مقداری شلتوك متعلق بشاکی که در انبار مشترك

آن دونفر بوده و کلید انبار نزد متهم بوده است مورد تعقیب دادرسی شهرستان واقع